

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
Identifying Instances of the Reflection of Political Action in the Visual Works of
Contemporary Artists of Gilan Based on Goffman's Perspective
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

شناسایی مصادیق بازتاب کنش سیاسی در آثار تجسمی هنرمندان معاصر گیلان براساس دیدگاه گافمن

زهرا خوش نقش^۱، محسن مراشی^{۲*}

۱. کارشناس ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.
۲. استادیار پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۳/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۳

چکیده

بیان مسئله: با توجه به تحولات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی رخ داده در سال‌های اخیر و ظهور هنر اجتماعی، در واقع هنر معاصر نوعی از کنش‌های اجتماعی و سیاسی جامعه محسوب می‌شود. این پژوهش به شناخت و تحلیل منتخبی از آثار هنرمندان گیلانی که به نوعی مصادیق بازتاب رویکردهای سیاسی هستند، می‌پردازد و درصدد پاسخ به این پرسش است که براساس دیدگاه گافمن، رویکردهای سیاسی بازتاب یافته در آثار هنرمندان معاصر گیلانی کدام‌اند؟

هدف پژوهش: هدف این پژوهش، شناسایی نمونه‌هایی از بازتاب رویکرد سیاسی به‌عنوان یکی از کنش‌های اجتماعی در آثار هنرمندان گیلانی است. ضرورت انجام پژوهش در آن است که مطالعه کنش هنرمندان معاصر بومی می‌تواند درباره چگونگی تعامل و کنش آنها با جامعه خویش دانش لازم را تولید کند.

روش پژوهش: روش پژوهش از منظر هدف بنیادی و از نظر ماهیت به‌روش تحلیل محتوای کیفی انجام شده و زیرمجموعه پژوهش‌های کیفی است. روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش ترکیب روش کتابخانه‌ای و میدانی است. در راستای شناسایی مصادیق الگوهای سیاسی گافمن در مجموع حدود ۶۶۲ اثر از بین کل آثار ۳۱ هنرمند منتخب که رویکرد سیاسی داشتند، شناسایی و در این پژوهش بررسی شده است.

نتیجه‌گیری: نتیجه بررسی‌ها نشان می‌دهد که هنرمند معاصر گیلانی از دیرباز تاکنون در بسیاری از آثار نقش کنشگر سیاسی را بازی کرده تا دغدغه‌های خود و مخاطبانش را به‌عنوان واکنش به شرایط سیاسی دوره خود به تصویر کشد. در بین آثار هنری منتخب علاوه بر بازتاب مضامین سیاسی و تجارب فردی و جمعی مختلف، قهرمان‌پروری و نمایش شخصیت‌های ملی همچون میرزا کوچک خان جنگلی دیده می‌شود. اکثر هنرمندان معاصر گیلانی مورد مطالعه به‌مثابه هنرمند-شهروند فعالیت داشته تا به‌عنوان کنشگر متقابل، شرایط سیاسی دوران‌های تاریخی گیلان را بازتاب دهند.

واژگان کلیدی: رویکرد سیاسی، هنرمندان معاصر گیلان، نظریه بازتاب، اروینگ گافمن، جامعه‌شناسی هنر.

مقدمه و بیان مسئله

حاصل کنش‌های تاریخی، اجتماعی و سیاسی خاصی هستند که در شرایط مشخص، گروه‌های اجتماعی خود را منعکس می‌کنند. به نظر می‌رسد بازتاب رویکردهای سیاسی در آثار هنرمندان گیلانی شامل چارچوب‌های اجتماعی و الگوهای معین خاص هستند که به تعریف انسان و هنرمند از وضعیتی که در آن قرار گرفته است، بستگی دارد. براساس دیدگاه گافمن، یک اثر هنری در اصل نوعی کنش اجتماعی است و یک هنرمند نقش کنشگر اجتماعی را ایفا می‌کند. این پژوهش که روزنه‌ای

مطالعات هنر معاصر در حوزه رسانه‌ها و رویکردها در جهت شناخت فرهنگ، هویت و رویکردهای سیاسی جوامع مختلف، مخصوصاً آثار هنرمندان اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چراکه جوامع مد نظر به‌ویژه هنرمندان ابعاد مختلف ویژگی‌ها و نمودهای سیاسی و اجتماعی زیسته جامعه خود را در آثارشان منعکس می‌کنند. براین اساس، آثار هنری وجود بسته، مستقل ندارند، بلکه

* نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۱۷۲۵۷۴۸، marasy@shahed.ac.ir

جدول ۱. اسامی هنرمندان گیلانی معاصر منتخب پژوهش. مأخذ: نگارندگان.

تعداد آثار	هنرمندان منتخب گیلانی
۶۱ اثر	بهمن محمص
۴۲ اثر	قاسم حاجی زاده
۲۰ اثر	پرویز حبیب پور
۱۱ اثر	صمد حسنی
۱۵ اثر	سیاوش ذولفقار پور
۱۰ اثر	محمد رضا برزهرگر
۵۵ اثر	مهناز پسیخانی
۸ اثر	سپیده فرامرزی
۵ اثر	شاهین آروین
۱۷ اثر	علیرضا طیباری
۶ اثر	صدیقه آشنا
۹ اثر	نسبیه صادق نژاد
۷ اثر	امینا کافی
۲۶۶ اثر	جمع کل آثار بررسی شده از هنرمند منتخب با رویکرد سیاسی

جهت شناسایی آثار هنرمندان معاصر گیلانی است، این امکان را می‌دهد تا با بررسی ابعاد مختلف آثار هنرمندان مد نظر به رمزگشایی آثار و نگاه این هنرمندان بومی پرداخته شود. در این راستا، می‌توان اذعان داشت که مجموعه آداب و رسوم پذیرفته شده جامعه در خودآگاه یا ناخودآگاه هنرمند خواسته یا ناخواسته ثبت می‌شود و مرتبط با شرایط محیطی، زیستی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی محل سکونت وی در آثارش منعکس می‌شود تا به محتوای ذهنی هنرمند درباره مسائل اجتماعی به‌ویژه سیاسی پی ببرد. هدف این پژوهش شناسایی مصادیق بازتاب رویکردهای سیاسی در آثار هنرمندان گیلانی است. رویکرد سیاسی در آثار هنرمندان مدنظر، کنشی است که هنرمند به‌عنوان یک فعال و کنشگر، در قالب یک اثر هنری در مواجهه با رویکردهای مختلف جامعه معرفی می‌کند تا افکار و دغدغه‌های خود و از همه مهمتر هویت خود را به جامعه و مخاطبانش عرضه کند. این پژوهش با مبنا قراردادن آثار هنرمندان گیلانی منتخب درصدد پاسخ به این پرسش است که براساس دیدگاه گافمن، مصادیق رویکردهای سیاسی بازتاب یافته در آثار هنرمندان معاصر گیلانی چه مواردی است؟ در این راستا، درک عمیق و متفکرانه فرهنگ حاکم و تعاملات بین اجتماع، افراد و هنر اجتماعی با رویکرد سیاسی در آثار هنرمندان معاصر بومی ضرورت انجام پژوهش است.

روش پژوهش

این پژوهش از منظر هدف تحقیق بنیادی است و از نظر ماهیت به روش تحلیل محتوای کیفی انجام شده است. برای تشخیص رویکردهای اجتماعی همچون رویکرد سیاسی در آثار هنرمندان معاصر تحلیل محتوای آثار به روش علمی ضروری است. نمونه‌گیری در این پژوهش به شیوه انتخابی هدفمند از آثار هنرمندان گیلانی مطرح در حوزه هنر معاصر است. مطابق روش کیفی، حجم نمونه از قبل پیش‌بینی نمی‌شود؛ بلکه در مسیر تحقیق تا اشباع اطلاعات نمونه‌گیری ادامه یافته است. بعد از مطالعه اولیه آثار هنرمندان گیلانی که در آثار تجسمی خود رویکردهای سیاسی را به نمایش گذاشته‌اند، ۱۳ هنرمند شناسایی شده‌اند و از بین آثار آن‌ها، تنها آثاری که نمونه بارزی برای مصادق‌های نظریه بازتاب کنش سیاسی اروینگ گافمن بودند انتخاب و در مقاله معرفی شده‌اند (جدول ۱).

پیشینه پژوهش

با اینکه هیچ تحقیق مستقلی در زمینه پژوهش مد نظر انجام نشده است، می‌توان از برخی پژوهش‌ها که گرایش

پژوهش، پیشینه‌ای مرتبط با آن در خارج از کشور نیز شناسایی نشد. با مطالعه پیشینه‌های داخلی وابسته به این تحقیق در اکثر پژوهش‌ها از مؤلفه‌های کلی و تأثیرگذار رویکرد سیاسی استفاده شده است. درحالی‌که این پژوهش دریچه‌ای به شناخت آثار هنرمندان معاصر گیلانی از دیدگاه اروینگ گافمن خواهد بود. از این طریق با رفتن به فراسوی فرهنگ‌ها، شناسایی مصادیق و رویکردهای سیاسی مناسب و آداب عدالت اجتماعی مانند جنگ، صلح حاکم بر جامعه در آثار هنرمندان زن و مرد گیلانی، بررسی می‌شود. به مدد این دیدگاه، بررسی کیفیات، ساختار و وجوه مختلف آثار هنرمندان معاصر گیلانی، امکان پرداختن به زوایای پنهان و نگاه هنرمندان بومی و هنر اجتماعی میسر و در نهایت منابع مطالعاتی بیشتری در زمینه شناخت آثار و هنرمندان معاصر در بسترهای تفکر اجتماعی، آینده‌نگری و چگونگی ارتباط اجتماعی با خلق آثار هنری و نیز شناخت عوامل زمینه‌ساز و شیوه کاری آنان را برای پژوهشگران فراهم شده است.

مبانی نظری • هنر معاصر

هنرمند معاصر^۱ در اصل کنشگری است که بین کنش‌های عاطفی شدید، جدایی و احساسات در نوسان است. بنابراین، یک هنرمند در این عصر می‌تواند در انواع کنش‌ها و هرج‌ومرج‌ها شرکت کند. نسبت به آنها حساسیت نشان دهد و کنش هنری داشته باشد. خلاقیت و هویت هنرمند معاصر تحت تأثیر و مرتبط با شرایط اجتماعی، تاریخی و سیاسی است. هنر معاصر در ایران پس از سال ۱۳۷۰.ش، با ظهور نسلی از هنرمندان جوان، ناگهان میل گسترده‌ای به سنتی و بومی شدن پیدا کرد اما نسل پنجم هنرمندان ایرانی با علاقه خاصی که به هویت‌های فرهنگی، سنتی و بومی دارند، همواره آثاری با ویژگی‌های خاص اجتماعی و انتقادی خلق می‌کنند. البته نمی‌توان کتمان کرد که هنوز بخش بزرگی از هنرمندان معاصر کشور متعلق به جنبش هنر خنثی‌گرایانه هستند (کشمیرشکن، ۱۳۸۹، ۲۸). دغدغه هنر معاصر خلق آثاری است که بتواند با گروه بزرگتری از مخاطبان ارتباط برقرار کند. دغدغه هنر معاصر به طرق مختلفی بیان می‌شود: پیوند زندگی شخصی و خصوصی با شیوه و روندهای هنری در نهایت کنار هم قراردادن مشغله سنتی با تفاسیر معاصر و امروزی (Esmaili & Hassanvand, 2018, 22). این پژوهش سعی می‌کند حساسیت اجتماعی هنرمندان معاصر گیلان را در رویکردهای اجتماعی شناسایی و بیان کند. هنرمندانی که دغدغه‌های هنر معاصر را به نمایش گذاشته‌اند و دست

اجتماعی و سیاسی مشابه با این پژوهش دارند نام برد. خوش نقش و مرانی (Khosh Naghsh & Marasy, 2025)، در مقاله‌ای با عنوان: «شناسایی مصادیق الگوهای دیداری نمایش‌های جنسیتی در آثار تجسمی هنرمندان معاصر گیلان» نمونه‌هایی از بازتاب رویکرد فمینیستی به‌عنوان رویکرد اجتماعی در آثار هنرمندان گیلانی را شناسایی کردند که نتیجه بررسی‌ها نشان می‌دهد الگوهای زیادی از قبیل: مناسبی شدن فرمانبری، اندازه‌نسی، رتبه‌بندی کاری و فضای نمادین، و... در آثار مورد مطالعه قابل تشخیص است. پهلوان نوده و تقوی (Pahlevan Noudéh & Taghavi, 2020)، در مقاله خود با عنوان: «گفتمان‌های از یادرفته در مجموعه «یاد سبز» قاسم حاجی‌زاده با تأکید بر رویکرد تحلیلی فرکلاف» نشان داده‌اند اثر هنری به‌مثابه زبانی بازنموده شده و نظامی از مفاهیم و اندیشه‌ها ملهم از جامعه، گفتمان و ایدئولوژی حاکم است و با رویکرد انتقادی نورمن فرکلاف به بررسی روابط برجسته واژگان تصویر در آثار مهم مجموعه «یاد سبز» قاسم حاجی‌زاده پرداخته‌اند. مهاجری (Mohajeri, 2016)، در رساله خود با عنوان «نقش رخدادهای اجتماعی و فرهنگی بر رویکرد نقاشان در هنر معاصر ایران (دهه ۷۰ و ۸۰ شمسی)» با استفاده از رویکرد بازتاب به زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و روابط هنری و واکنش نقاشان می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که محتوای اصلی آثار شامل بازنمایی مضامین مختلف از جمله مسائل سیاسی و اجتماعی تا سایر تجربیات فردی، فرهنگی و هویتی و... است. راوادراد و حیرانپور (Ravadarad & Heiranpour, 2013)، در مقاله خود با عنوان «تحولات بازتاب جنگ در سینمای ایران» نشان داده‌اند که بازتاب جنگ در سینما روندی شامل نمایش دلآوری‌های رزمندگان در زمان جنگ در دهه ۶۰ تا اواخر این دهه چگونه بوده است، ناگفته نماند که در این مقاله سینمای جنگ در سه دوره زمانی ۶۰ تا ۶۷، ۶۷ تا ۸۰ و دهه ۸۰ بررسی شده است. علوی (۱۳۹۹)، در پایان‌نامه خود با عنوان «رویکرد اجتماعی و سیاسی، شعر عاشورایی در منطقه جبل عامل» به بررسی و مطالعه منطقه جبل عامل در جنوب لبنان که معرف شاعران شاخصی در عرصه شعر عاشورایی است، پرداخته و نشان داده که شاعران این خطه وقایع کربلا و عاشورا را با چالش‌ها و مشکلات جهان اسلام و لبنان مرتبط کرده‌اند. بررسی پیشینه پژوهش پیش‌رو در خارج از کشور نشان داد که منابع مکتوب بسیاری در زمینه جامعه‌شناسی هنر و نظریات و رویکردهای سیاسی جهت معرفی و بازتاب آثار هنرمندان بومی هر کشور وجود دارد؛ اما به دلیل بومی بودن آثار این

رویکردهای اجتماعی و مخصوصاً رویکرد سیاسی در آثار هنری مطرح می‌شوند، گاه کنترل خود را در صحنه جامعه از دست می‌دهند و هویت آسیب‌دیده خود را به نمایش می‌گذارند. در نهایت این‌طور برداشت می‌شود مجموعه رفتارهای پذیرفته‌شده جامعه در ذهن هنرمند نقش بسته و خواسته یا ناخواسته در اثرش منعکس شده است. در این پژوهش مضامینی از رویکردهای سیاسی که زیرمجموعه رویکرد اجتماعی است، بررسی می‌شوند.

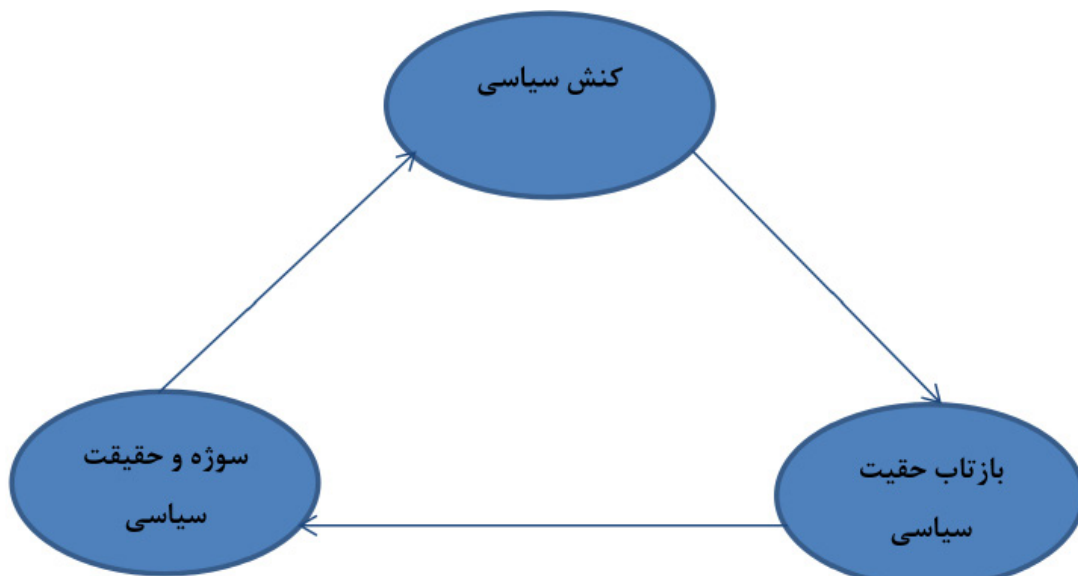
• کنش و رویکرد سیاسی در تولید آثار هنری

کنش سیاسی^۲ در اصل اقدام «آگاهانه» و «استراتژیک» موضوع و سوژه سیاسی در یک وضعیت یا موقعیت سیاسی منحصر به فرد» است (Haffman, 2007, 150). به عبارت دیگر کنش سیاسی به لحاظ حمایت یا مقاومت در برابر موضوع و واقعیت سیاسی در مواجهه با یک موقعیت سیاسی خاص یا تغییر در آن، جنبه هدفمندی دارد که به صورت بازتابی از واقعیت و حقیقت سیاسی خود را نشان می‌دهد. کنش سیاسی همچنین از «الگوها» و «استراتژی‌هایی» خبر می‌دهد که از یک موقعیت سیاسی خاص یا تغییر در آن حمایت یا در برابر آن مقاومت می‌کند (تصویر ۱). پرداختن به انسان و روابط انسانی به عنوان ظهور نظریه و رویکرد سیاسی تعریف می‌شود، زیرا قبل از ماهیت حکومت و نوع رابطه آن با جامعه و فرد به عنوان محور اساسی رویکرد سیاسی، انسان و موقعیت و حیثیت آن در اجتماع سیاسی اهمیت دارد (Barker, 1918, 60-62). بازتاب رویکرد سیاسی محصول کنشگری سوژه در واقعیت و حقیقت سیاسی است، بدین ترتیب که سوژه با کنش سیاسی به دگرگونی در واقعیت سیاسی

به خلق آثاری زدند که بتواند با کمک امکانات رسانه‌ای معاصر گروه بیشتری از مخاطبین را پوشش دهند. این هنرمندان به دلیل داشتن دغدغه‌های اجتماعی و سیاسی در آثار خلق‌شده خود که قابل تطبیق با نظریه بازتاب اروینگ گافمن هستند، موضوع اصلی این پژوهش قرار گرفته‌اند.

• رویکردهای اجتماعی در آثار هنری

روابط و رویکردهای مختلف اجتماعی با آثار هنری یک جامعه ارتباط دارند. با بهره‌گیری از دیدگاه اروینگ گافمن^۳، جامعه‌شناس کانادایی می‌توان کنش‌های شخصیت‌های انسانی جوامع محلی را در صحنه اجتماعی شناسایی و از این طریق به سرمایه اجتماعی انسان‌ها دست یافت. گافمن به این موضوع پرداخت که چگونه اجتماع شخصیت‌ها را وادار می‌کنند تا تصویر خاصی از خود ارائه دهند. زیرا جامعه هنرمند را مجبور به نوسان بین بسیاری از نقش‌های پیچیده می‌کند و او را همیشه تاحدی غیرقابل اعتماد، متناقض و شرم آور می‌سازد (Ritzer, 2008, 95). نماد در رویکردهای اجتماعی و سیاسی اهمیت به‌سزایی دارند چون زندگی اجتماعی از طریق این نمادها رمزگشایی می‌شوند. این رویکرد بر ماهیت فرد در جامعه و روابط بین ادراکات فردی، کنش جمعی و جامعه تأکید می‌کند (Annells, 1996). در این زمینه می‌توان ادعان داشت اساس رویکرد گافمن به تعامل فردی، حضوری و چهره به چهره وابسته است که در آن معنای کنش اجتماعی ظاهر می‌شود. براساس دیدگاه جامعه‌شناسانه وی، هنرمندان گاهی به اجبار وارد جوامع می‌شوند و باید به بهترین نحو در آن پیشرفت کنند. شخصیت‌هایی که براساس



تصویر ۱. رابطه متقابل بازتاب حقیقت سیاسی و کنش سیاسی. مأخذ: نگارندگان.

اقدام می‌کند و سپس دگرگونی در واقعیت سیاسی خود منادی ظهور رویکرد سیاسی می‌شود. کنش سیاسی خود محصول «سوژگی سیاسی» است، به بیان دیگر، سوژه سیاسی با کنشگری سیاسی در راستای تثبیت یا ایجاد تحول در واقعیت سیاسی و گفتمان تفسیرگر و ساماندهنده واقعیت سیاسی دست به کنش می‌زند. در مورد هنرمندان معاصر در این مرحله، صرفاً موضوع، تأکید بر اشکال آشکارتر آنها از کنشگری اجتماعی است. در هر صورت، چون هنر از هر زاویه‌ای در بطن اجتماع حضور دارد یک عنصر اجتماعی محسوب می‌شود. هنر در ساختار اجتماعی جایگاهی را به خود اختصاص داده و بنابراین فارغ از اراده هنرمند در ارتباط با سایر عناصر اجتماعی است. در این رویکرد، سوژه سیاسی اشاره به عاملان و کنشگران سیاسی دارد که در اصل همان هنرمندان مدنظری هستند که متأثر از شرایط جامعه با خلق آثار انتقادی، اجتماعی و سیاسی از گذرگاه سیاست عبور و در مسائل اجتماعی، بومی و سنتی خود شرکت و دست به کنش می‌زنند. شایان ذکر است در این پژوهش، به آثار هنرمندان گیلانی براساس مسائل و رویکردهای سیاسی و اجتماعی توجه و به‌طور نسبی انتخاب شده‌اند.

• رویکرد بازتاب در جامعه‌شناسی هنر

رویکرد بازتاب^۴ بر این ایده استوار است که هنر بازتاب‌دهنده واقعیت‌های اجتماعی است و می‌تواند شناخت ما از جامعه را افزایش دهد. این دیدگاه که از روش‌های متداول در جامعه‌شناسی هنر محسوب می‌شود، آثار هنری و ادبی را به‌عنوان اسنادی اجتماعی بررسی می‌کند که شرایط، ایده‌ها و ساختارهای یک جامعه را نمایان می‌سازند. در این چارچوب، هنر نه تنها تصویری از جامعه ارائه می‌دهد، بلکه تحت‌تأثیر عوامل اجتماعی گوناگونی قرار دارد که حتی اگر به‌صورت مستقیم بر محتوای اثر، اثر نگذارند، در روند تولید و خلق آن نقش دارند (Alexander, 2021, 55; Wolff, 1988, 54).

• کنش سیاسی در جامعه‌شناسی هنر از دیدگاه گافمن

اروینگ گافمن (۱۹۲۲-۱۹۸۲)، جامعه‌شناس کانادایی، با نظریه «کنش متقابل نمادین» به بررسی نحوه مدیریت هویت در تعاملات اجتماعی پرداخت. او معتقد بود که افراد در موقعیت‌های اجتماعی مختلف، نقش‌هایی را ایفا می‌کنند تا تصویری خاص از خود ارائه دهند. این نمایش‌های اجتماعی به افراد کمک می‌کنند که در جامعه جایگاه مشخصی پیدا و تعاملات خود را کنترل کنند (Ritzer, 2008). اروینگ گافمن، به‌ویژه برای نظریات خود در زمینه تعاملات اجتماعی و نمایش‌های

اجتماعی شناخته شده است. در خصوص کنش سیاسی در جامعه‌شناسی هنر، گافمن به تحلیل نحوه نمایش هویت‌ها و نقش‌ها در فضاهای اجتماعی پرداخته است. او بیشتر به ابعاد غیرمستقیم و نمادین کنش‌های اجتماعی توجه دارد و براساس مفاهیم «نمایش» و «گفت‌وگوهای اجتماعی» تحلیل‌هایی در مورد سیاست و هنر ارائه می‌دهد. گافمن در تحلیل‌های خود در مورد «نمایش اجتماعی»، بر این نکته تأکید دارد که انسان‌ها در تعاملات روزمره خود نقش‌هایی بازی می‌کنند و نمایش‌هایی به نمایش می‌گذارند که تابعی از کنش‌های اجتماعی و ساختارهای سیاسی و فرهنگی آن زمان است. در این راستا، از هنر به‌عنوان یک فضای نمادین و فرهنگی، برای نمایش و بیان این نقش‌ها و هویت‌ها استفاده می‌شود. از دیدگاه گافمن، کنش سیاسی به‌ویژه از طریق هنر می‌تواند به‌صورت نمادین و غیرمستقیم به نمایش گذاشته شود. هنرمندان به‌عنوان «نمایشگران» در اجتماع، می‌توانند با خلق آثار هنری خود به تحلیل و نقد ساختارهای قدرت، هویت‌های اجتماعی و سیاست‌های عمومی بپردازند. این آثار می‌توانند به‌عنوان وسیله‌ای برای مقاومت یا اعتراض به سیاست‌های حاکم، نابرابری‌های اجتماعی، یا حتی نمایش قدرت و نفوذ اجتماعی به کار روند. کنش سیاسی می‌تواند در قالب چهار الگوی ۱. ساخت و نمایش هویت‌های سیاسی، ۲. کنترل اجتماعی و مدیریت تأثیرات، ۳. قدرت و نابرابری در صحنه پیش‌زمینه و پس‌زمینه و ۴. به‌عنوان نشان‌دهنده تجارب فردی و جمعی در آثار هنری به ظهور برسد.

یافته‌های پژوهش

براساس بررسی‌های انجام‌شده، یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که آثار هنرمندان معاصر گیلان بر مبنای الگوهای کنش سیاسی گافمن قابل شناسایی و طبقه‌بندی هستند. در این بخش از پژوهش، به‌عنوان کنشگر سیاسی برخی از آثار هنرمندان معاصر گیلانی شناسایی و براساس الگوی چهارگانه کنش سیاسی گافمن در جداول جداگانه تنظیم شده‌اند.

• تحلیل کنش‌های سیاسی هنرمندان گیلانی بر مبنای دیدگاه گافمن

- الگوی ساخت و نمایش هویت‌های سیاسی
جنگ‌ها به‌عنوان عرصه‌ای برای نمایش هویت‌های سیاسی و ملی هستند. براساس دیدگاه گافمن می‌توان اینگونه تحلیل کرد که چگونه حکومت‌ها یا گروه‌های مختلف از هنر (مثلاً فیلم‌ها، نقاشی‌ها، شعرها) برای ساخت و تثبیت هویت‌های ملی و سیاسی استفاده می‌کنند. سیاستمداران برای جلب حمایت عمومی و ایجاد هویت سیاسی خود،

می‌گذارند و در عین حال، گروه‌های ضعیفی که در جنگ آسیب می‌بینند، ممکن است از طریق هنر از آنها دفاع و نابرابری‌های اجتماعی بازتاب یابد. همچنین در عرصه سیاست، این تمایز می‌تواند تفاوت میان رفتارهای عمومی سیاستمداران و فعالیت‌های پشت پرده آنها را توضیح دهد. حکومت‌ها و گروه‌های قدرتمند از رسانه‌ها و هنر برای نمایش اقتدار و نفوذ خود استفاده می‌کنند، درحالی‌که گروه‌های ضعیف‌تر از این ابزارها برای نمایش اعتراض و نابرابری‌های اجتماعی و مبارزه بر علیه بیدادگری بهره می‌گیرند (ibid., 25-30). همان‌طور که در **جدول ۳**، آثار هنرمندان گیلانی معاصر منتخب قابل مشاهده است، آثار خلق‌شده آنها به‌عنوان وسیله‌ای برای اعتراض، مقاومت در برابر قدرت و استبداد، در بازتاب بی‌عدالتی و نابرابری‌های اجتماعی، نقش مهمی ایفا می‌کند (**جدول ۴**).

- الگوی هنر به‌عنوان بازتاب تجارب فردی و جمعی
گافمن به اهمیت تجارب فردی و جمعی در شکل‌گیری نمایش‌ها و هویت‌ها اشاره دارد. هنر می‌تواند احساسات و تجارب اجتماعی مخصوصاً سیاسی مانند جنگ و بحران‌های پس از آن، سرکوب، ترس و امید ... را به تصویر بکشد. در جنگ‌ها، هنرمندان ممکن است با خلق آثار هنری خود، تجارب رنج، ترس، از دست دادن و امید به زندگی را نمایش دهند. در نهایت از دیدگاه گافمن، کنش‌های سیاسی در جامعه‌شناسی هنر به‌ویژه در جنگ‌ها، از طریق نمایش‌ها و هنرهای تجسمی به‌صورت نمادین قابل فهم است. هنر نه تنها می‌تواند ابزاری برای مقاومت، انتقاد و اعتراض باشد، بلکه به‌عنوان وسیله‌ای برای نمایش روابط قدرت، هویت‌های جمعی و حتی پروپاگاندا^۱ در جوامع جنگی و تحت فشار نیز عمل می‌کند (Goffman, 2016, 2-11). همان‌طور که در **جدول ۴**، آثار هنرمندان گیلانی معاصر منتخب قابل مشاهده است. آثار خلق‌شده هنرمندان مذکور نه تنها بازتابی از شرایط اجتماعی و سیاسی، بلکه وسیله‌ای برای انعکاس روابط قدرت و شکل‌دهی هویت‌های اجتماعی و سیاسی هستند (**جدول ۵**).

نتیجه‌گیری

کنش سیاسی شامل طیف وسیعی از اقدامات است که با هدف تأثیرگذاری بر سیاست‌های اجتماعی، اقتصادی یا حکومتی انجام می‌شود. این اقدامات می‌توانند به‌صورت فردی یا جمعی، مسالمت‌آمیز یا قهرآمیز، در سطوح مختلف (محلی، ملی یا بین‌المللی) شکل بگیرند و از ابزارهایی همچون انتخابات، اعتراضات، دیپلماسی، نقد سیاسی و دفاع از حقوق بشر برای دستیابی به اهداف خود بهره‌مند شوند. براساس دیدگاه

نقش‌هایی اجتماعی را بازی می‌کنند. این نمایش‌ها شامل سخنرانی‌ها، حضور در رسانه‌ها و رفتارهای نمادین می‌شود. آنها با استفاده از این ابزارها، تصویری مطلوب از خود ارائه می‌دهند و در فضای اجتماعی جایگاه خود را تثبیت می‌کنند (Goffman, 2012, 6-9). در شرایط جنگی یا بحرانی، حکومت‌ها و گروه‌های سیاسی از هنر و رسانه برای قهرمان‌پروری و تثبیت هویت‌های ملی و سیاسی بهره می‌برند و به نوعی شخصیت‌های اسطوره‌ای دست می‌یابند. همان‌طور که در **جدول ۱**، آثار هنرمندان گیلانی معاصر منتخب قابل مشاهده است. هنرمندان معاصر دهه‌های گوناگون همواره از میرزا کوچک‌خان جنگلی به‌عنوان اسطوره و قهرمان بومی گیلان برای نمایش هویت‌های سیاسی و ملی منعکس می‌کنند (**جدول ۲**).



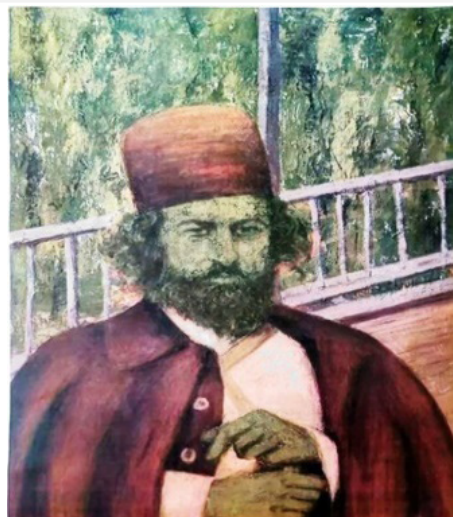



- الگوی کنترل اجتماعی و مدیریت تأثیرات

گافمن در این بخش به مفهوم «مدیریت تأثیرات»^۲ اشاره می‌کند که به چگونگی کنترل افراد بر برداشت دیگران از خود مربوط می‌شود. گافمن در ادامه به این موضوع پرداخته است که چگونه افراد و گروه‌ها در زمان جنگ، از نمایش‌های هنری برای تغییر یا تقویت افکار عمومی استفاده می‌کنند. هنر می‌تواند ابزاری برای مقاومت در برابر جنگ‌ها و سیاست‌های ظالمانه باشد. آثار هنری به‌ویژه در دوران جنگ می‌توانند به‌عنوان ابزاری جهت اعتراض به استفاده از قدرت، خشونت و دیکتاتوری مطرح شوند. در سیاست، این مفهوم به شکل تلاش سیاستمداران برای کنترل افکار عمومی و نمایش چهره‌ای مثبت از خود تجلی می‌یابد. این مدیریت در حکومت‌های استبدادی و نظام‌های دیکتاتوری بیشتر به چشم می‌خورد، جایی که ابزارهای سیاسی و اجتماعی برای محدود کردن آزادی‌های فردی، سرکوب مخالفان، مظلومیت و آوارگی اقلیت‌های ضعیف و بازسازی هویت‌های اجتماعی استفاده می‌شوند (Goffman, 1959, 22-25). همان‌طور که در **جدول ۲**، آثار هنرمندان گیلانی معاصر منتخب قابل مشاهده است. آثار خلق‌شده آنها به‌عنوان وسیله‌ای برای اعتراض، مقاومت، در بازتاب نارضایتی‌های اجتماعی و افشار ضعیف در جنگ، نقش مهمی ایفا می‌کند (**جدول ۳**).

- الگوی قدرت و نابرابری در صحنه پیش‌زمینه و پس‌زمینه
یکی از مفاهیم مهم در اندیشه گافمن، تمایز میان صحنه پیش‌زمینه (جایی که نمایش اجتماعی و سیاسی رخ می‌دهد) و صحنه پس‌زمینه (محیطی که آماده‌سازی برای این نمایش در آن انجام می‌شود) است. در این راستا، براساس دیدگاه وی به تحلیل نمایش روابط قدرت در خلال جنگ‌ها پرداخته شده است؛ این‌که چگونه قدرت‌ها در جنگ‌ها خود را از طریق هنر و رسانه‌ها به نمایش







جدول ۲. مصادیق بازتاب الگوی ساخت و نمایش هویت‌های سیاسی و ملی در آثار هنرمندان معاصر گیلان. مأخذ: نگارندگان.

ادامه جدول ۲.

ردیف	شاخص	آثار هنرمندان معاصر گیلانی	ردیف	شاخص	آثار هنرمندان معاصر گیلانی
۱	قهرمان پروری و شخصیت اسطوره‌ای گیلان	 <p>صمد حسنی، میرزا کوچک خان، میکس مدیا، ۱۳۹۵ ه.ش. مأخذ: آرشیو شخصی هنرمند.</p>	۴	قهرمان پروری و شخصیت‌های اسطوره‌ای	 <p>امینا کافی، میرزا کوچک خان، میکس مدیا، ۱۳۹۸ ه.ش. مأخذ: آرشیو شخصی هنرمند.</p>
۲	قهرمان پروری و شخصیت‌های اسطوره‌ای	 <p>نسیبه صادق‌نژاد، چهره میرزا، آکرلیک روی بوم، ۱۳۹۷ ه.ش. مأخذ: آرشیو شخصی هنرمند.</p>	۵	قهرمان پروری و شخصیت‌های اسطوره‌ای	 <p>قاسم حاجی‌زاده، میرزا کوچک و همراهان، گواش و آکرلیک، ۱۳۵۸ ه.ش. مأخذ: مجموعه یاد سبز، ۱۳۷۱.</p>
۳	قهرمان پروری و شخصیت‌های اسطوره‌ای	 <p>شاهین آروین، چهره میرزا کوچک خان، آبرنگ روی مقوا، ۱۳۹۵ ه.ش. مأخذ: آرشیو شخصی هنرمند.</p>	۶	قهرمان پروری و شخصیت‌های اسطوره‌ای	 <p>محمد رضا برزه‌گر، سر بریده میرزا با شباهت به مسیح، آکرلیک، ۱۳۹۷ ه.ش. مأخذ: آرشیو شخصی هنرمند.</p>


جدول ۳. مصادیق بازتاب الگوی کنترل اجتماعی و مدیریت تأثیرات در آثار هنرمندان معاصر گیلان. مأخذ: نگارندگان.

ادامه جدول ۳.

ردیف	شاخص	آثار هنرمندان معاصر گیلانی	ردیف	شاخص	آثار هنرمندان معاصر گیلانی
۱	مظلومیت و معصومیت	 <p>بی‌سرپرستی آوارگی افسار ضعیف</p> <p>سیاوش ذوالفقارپور، نه به رهاسازی ک ودکان، میکس مدیا، ۱۳۹۸ ه.ش. مأخذ: آرشیو شخصی هنرمند.</p>	۴	بی‌سرپرستی	
۲	مظلومیت و آوارگی افسار ضعیف	 <p>علیرضا طیاری، نه به جنگ، میکس مدیا، ۱۴۰۱ ه.ش. مأخذ: آرشیو شخصی هنرمند.</p>	۲	مظلومیت و آوارگی افسار ضعیف	
۳	مظلومیت و معصومیت	 <p>مهنار پسیخانی، بهار عربی، آکرلیک روی بوم، ۱۳۹۰ ه.ش. مأخذ: آرشیو شخصی هنرمند.</p>	۲	مظلومیت و معصومیت	
۴	مقاومت در برابر سیاست‌های ظالمانه	 <p>صدیقه آشنا، کودکان آواره، میکس مدیا، ۱۳۹۴ ه.ش. مأخذ: آرشیو شخصی هنرمند.</p>	۵	آوارگی و بی‌سرپرستی	
۵	مظلومیت و معصومیت	 <p>محمد رضا برزهرگر، کودک غزه، آکرلیک، ۱۳۹۶ ه.ش. مأخذ: آرشیو شخصی هنرمند.</p>	۳	مظلومیت و معصومیت	
۶	مقاومت در برابر سیاست‌های ظالمانه	 <p>پرویز حبیب پور، رژه، رنگ روغن روی بوم، ۱۳۹۵ ه.ش. مأخذ: آرشیو شخصی هنرمند.</p>	۶	مقاومت در برابر سیاست‌های ظالمانه	




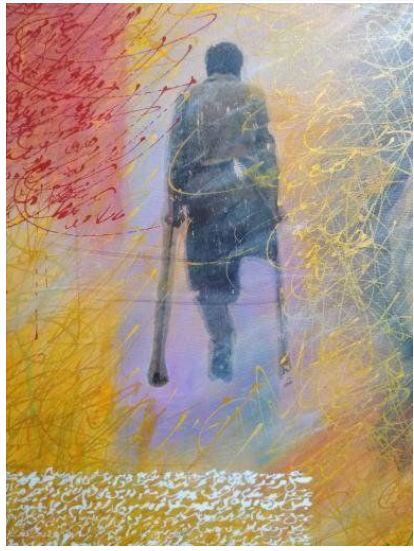


جدول ۴. مصادیق بازتاب الگوی قدرت و نابرابری در آثار هنرمندان معاصر گیلان. مأخذ: نگارندگان.

ادامه جدول ۴.

ردیف	شاخص	آثار هنرمندان معاصر گیلانی	ردیف	شاخص	آثار هنرمندان معاصر گیلانی
۱	تبلیغات سیاسی	 <p>سپیده فرامرزی منقذی شده، میکس مدیا، ۱۳۹۹ ه.ش. مأخذ: آرشیو شخصی هنرمند.</p>	۴	جنگاوری و قدرت طلبی	 <p>پرویز حبیب پور، ژنرال‌ها و سپرهایشان، گواش رو مقوا، ۱۳۷۸ ه.ش. مأخذ: آرشیو شخصی هنرمند.</p>
۲	جنگ و صلح	 <p>سپیده فرامرزی، جنگ و صلح، میکس مدیا، ۱۳۹۹ ه.ش. مأخذ: آرشیو شخصی هنرمند.</p>	۵	جنگاوری و قدرت طلبی / ترس	 <p>بهمن محمص، مینوتور زخمی، رنگ روغن روی بوم، ۱۳۷۵ ه.ش. مأخذ: آرشیو شخصی هنرمند.</p>
۳	جنگاوری و سرکوب	 <p>سیاوش ذوالفقارپور، قدرت طلبی، میکس مدیا، ۱۴۰۱ ه.ش. مأخذ: آرشیو شخصی هنرمند.</p>	۶	جنگ و صلح	 <p>قاسم حاجی زاده، توافق، ترکیب مواد روی مقوا، ۱۳۷۵ ه.ش. مأخذ: آرشیو شخصی هنرمند.</p>

ادامه جدول ۵.

جدول ۵. مصادیق بازتاب الگوی تجارب فردی و جمعی در آثار هنرمندان معاصر گیلان. مأخذ: نگارندگان.

آثار هنرمندان معاصر گیلانی	شخصی ردیف	آثار هنرمندان معاصر گیلانی	شخصی ردیف
	بی‌عدالتی و حق‌کشی ۴		ایثار و از خودگذشتگی ۱
<p>پرویز حبیب‌پور، یتیم‌نواها، مازیک روی مقوا، ۱۳۸۶ ه.ش. مأخذ: آرشیو شخصی هنرمند.</p>		<p>صدیقه آشنا، سرباز وطن و انتظار، رنگ روغن، ۱۳۹۴ ه.ش. مأخذ: آرشیو شخصی هنرمند.</p>	
	ترس و بی‌پناهی ۵		شهادت‌طلبی و ایثار ۲
<p>مهناز پسیخانی، بهار عربی، آکرلیک روی بوم، ۱۳۹۰ ه.ش. مأخذ: آرشیو شخصی هنرمند.</p>		<p>سیاوش ذوالفقارپور، چون پرده درافتد، آکرلیک و چاپ دستی، ۱۳۹۹ ه.ش. مأخذ: آرشیو شخصی هنرمند.</p>	
	بی‌عدالتی و ترس ۶		زندانی سیاسی ۳
<p>علیرضا طیاری، نه به جنگ، میکس‌مدیا، ۱۴۰۱ ه.ش. مأخذ: آرشیو شخصی هنرمند.</p>		<p>محمدرضا برزه‌گر، گوانتانامو، آکرلیک روی بوم، ۱۳۹۹ ه.ش. مأخذ: آرشیو شخصی هنرمند.</p>	

بی‌نوشت‌ها

۱. Contemporary artists
۲. Erving Goffman، جامعه‌شناس خردگرا و دانشمند مشهور مکتب شیکاگو است.
۳. Political action
۴. Reflection approach
۵. Impression Management
۶. Propaganda

فهرست منابع

- علوی، کلثوم. (۱۳۹۹). *رویکرد اجتماعی و سیاسی شعر عاشورایی در منطقه جبل عامل* [پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد]. دانشگاه رازی.
- کشمیرشکن، حمید. (۱۳۸۹). نگره دوگانه: محلی و فرامحلی‌بودن در هنر ایران معاصر. *نشریه هنر فردا*، ۱(۳)، ۲۸. <http://arttomorrow.org/mags>
- Alexander, V.D. (2021). *Sociology of the arts : exploring fine and popular forms* (A. Ravadarad, Trans.). Matn. (Original work published 2003)
- Anells, M. (1996). Grounded theory method: Philosophical perspectives, paradigm of inquiry, and postmodernism. *Qualitative Health Research*, 6(3), 379393-. <https://doi.org/10.1177/104973239600600306/>
- Barker, E. (1918). *Greek Political Theory, Plato and his Predecessors*. Methuen & Co. Ltd.
- Esmaili, N., & Hassanvand, M. K. (2018). A study on new art media in the works of four contemporary international female artists. *Glory of Art (Jelve-y Honar)*, 10(1), 21–33. <https://doi.org/10.22051/jjh.2017.221>.
- Goffman, E. (1959). *Presentation of Self in Everyday Life*. Anchor.
- Goffman, E. (2012). *Stigma: notes on the management of Spoiled identity* (M. Kianpour, Trans.). Markaz. (Original work published 1963)
- Goffman, E. (2016). *The presentation of self in everyday life* (M. Kianpour, Trans.). Markaz. (Original work published 1959)
- Haffman, J. (2007). *A Glossary of Political Theory*. Edinburgh University Press. <https://books.google.de/books?id=no8IZLoiAYC&printsec=frontcover&hl=de#v=onepage&q&f=false>
- Khosh Naghsh, Z., & Marasy, M. (2025). Identifying instances of visual patterns of gender representations in plastic artworks of Gilani contemporary artists. *Glory of Art (Jelve-y Honar)*, 16(4), 35–48. <https://doi.org/10.22051/jjh.2024.46782.2145>.
- Mohajeri, M. (2016). *The Impact of Social and Cultural Events on Contemporary Iranian Painting (90s-2000s) Practical Project: my existence in soceity* [Master thesis, Tarbiat Modares University]. Parseh. <https://parseh.modares.ac.ir/thesis/6021742>
- Pahlevan Noudeh, M., & Taghavi, T. (2020). Missing

اروینگ گافمن که قبلاً هم ذکر شده -آثاری که هر هنرمند در نقش فعال و کنشگر تحت تأثیر شرایط جامعه خلق می‌کند- نوعی کنش اجتماعی محسوب می‌شود. در این راستا، می‌توان تشریح کرد هنرمندان معاصر گیلانی منتخب در این پژوهش، به‌عنوان کنشگر وارد جامعه شده‌اند و تحت تأثیر کنش اجتماعی موجود به خلق آثاری با رویکرد سیاسی دست زدند. در این راستا، می‌توان نتیجه گرفت که هنرمند معاصر گیلانی از دیرباز تاکنون در بسیاری از آثار نقش کنشگر سیاسی را بازی کرده است تا دغدغه‌های خود و مخاطبان‌شان در هر دوره تاریخی به‌عنوان واکنش و اعتراض به شرایط سیاسی دوره خود به‌عنوان کنش متقابل نمادین را به تصویر کشد. در راستای شناسایی مصادیق الگوهای سیاسی گافمن در مجموع حدود ۲۶۶ اثر از بین کل آثار ۱۳ هنرمند منتخب که رویکرد سیاسی داشتند، شناسایی و در این پژوهش بررسی شده‌اند. آثار هنری منتخب در این پژوهش بازتاب دهنده‌ی مضامین سیاسی و تجارب فردی و جمعی وحدت بخشی چون: شهروند، فضیلت و اخلاق، سیاست و امر سیاسی، سوژه سیاسی، عدالت‌خواهی، مبارزه با فقر و نابرابری‌های اجتماعی، اتحاد کارگری و زحمت‌کشان، تقابل مسئولیت اجتماعی با حقوق فردی، مبارزه با استکبار و بی‌عدالتی، تصویر انسان از خودبیگانه در جامعه مصرفی، ظلم‌ستیزی، غرب‌ستیزی، مضامین جنگ، ایثار و شهادت‌طلبی، تبلیغات و بازی‌های سیاسی، زندانی سیاسی، کنش انقلابی و سیاسی، درگیری‌های طولانی مدت در جهت تحقق آرمان‌های دینی و عدالت‌جویانه، جنگاوری و قدرت‌طلبی، تصاویر عقیدتی، بی‌عدالتی و حق‌کشی، ترس، آوارگی، بی‌پناهی مظلومیت و معصومیت اقشار ضعیف و سایر اشکال خشونت فردی، اجتماعی و جهانی تأکید می‌کنند که به نوعی نتایج بعد از جنگ هستند. در نهایت قهرمان‌پروری و شخصیت‌های اسطوره‌ای همچون میرزا کوچک‌خان جنگلی در اکثر آثار خلق‌شده هنرمندان معاصر گیلانی به‌مثابه هنرمند- شهروند ظاهر می‌شود تا واکنش و اعتراض به شرایط سیاسی دوره هنرمند گیلانی را بازتاب دهند.

پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی

وجه به مطالعات تطبیقی بین آثار هنری هنرمندان مناطق مختلف در راستای رویکرد سیاسی هر منطقه براساس رویکرد بازتاب می‌تواند در پژوهش‌های آتی مورد توجه هنرپژوهان قرار گیرد.

اعلام عدم تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافی برای ایشان وجود نداشته است.

discourses in the Green Remembrance collection of Ghasem Hajizadeh by emphasizing on the analytical approach of Fairclough. *Advanced Studies of Art*, 3(2), 109–124. <http://art-studies.ir/article-175--fa.html>

• Ravadarad, A., & Heiranpour, S. (2013). The changes of the reflections on the Iranian war cinema. *Cultural Studies*

& *Communication*, 9(33), 57–80. https://www.jcsc.ir/article_15279.html?lang=en

• Ritzer, G. (2008). *Contemporary Sociological Theory* (M. Salasi, Trans.). Elmi. (Original work published 2008)

• Wolff, J. (1988). *The Social Production of Art* (N. Tavakoli, Trans.). Markaz. (Original work published 1981)

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:

خوش نقش، زهرا و مرآئی، محسن. (۱۴۰۴). شناسایی مصادیق بازتاب کنش سیاسی در آثار تجسمی هنرمندان معاصر گیلان براساس دیدگاه گافمن. *باغ نظر*، ۲۲ (۱۴۴)، ۷۳–۸۴.

DOI: 10.22034/BAGH.2025.516308.5794

URL: https://www.bagh-sj.com/article_220341.html

